

تحلیلی بر نقش قدرتهای مداخله گر در خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران

فرحناز مایل افشار

دانش آموخته مقطع دکتری رشته جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

Afshar6161@yahoo.com

دکتر عزت ... عزتی

دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده:

بندرت می‌توان منطقه‌ای مانند خلیج فارس یافت که بتوان دیدگاه‌های سیاسی را به عرصه آزمایش گذارد. و هیچ منطقه‌ای همانند خلیج فارس نتوانسته است توجه و در عین حال علاقه جهانیان را به خود معطوف نماید. تا آنجا که تاریخ نشان می‌دهد، خلیج فارس پیوسته بخش پراهمیتی از جهان بوده‌است. در نیم قرن اخیر، خلیج فارس یکی از مهمترین و حساس‌ترین مناطق جهان در نگرشهای ژئوپلیتیکی و محاسبات استراتژیک بوده است و با توجه به تحولات و دگرگونی‌های عمیق و جاری در عرصه مناسبات بین‌المللی می‌توان ادعا کرد که در قرن بیست و یکم می‌رود تا به صورت مهمترین کانون توجه آن نگرشها و محاسبات درآید و به تعبیر کلاسیک ژئوپلیتیک هارتلند نام می‌گیرد. اما در حال حاضر این منطقه با پدیده‌ای به نام نظامی‌گری روبرو گردیده. دیدگاه‌های متفاوت کشورهای از مقوله امنیت و بی‌اعتمادی به یکدیگر، زمینه را برای مداخله قدرتهای فرامنطقه‌ای مهیا نموده است. این مسأله، (حضور قدرتهای جهانی در منطقه) برای ایران که قدرت کلاسیک منطقه می‌باشد به نوعی مخاطره انگیز است و مستقیماً امنیت و منافع ملی وی را هدف قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: مداخله گران نظامی، بحرانهای ژئوپلیتیکی، امنیت ملی، منافع ملی.

مقدمه

امنیت از جمله مفاهیم مطرح در علوم انسانی است که همانند بسیاری مفاهیم دیگر (جامعه، فرهنگ، ارزش و ..). پیچیدگی و گنگ بودن خصیصه ذاتی و ماهوی آنست. معماگونه‌ی امنیت و فرو رفتن در هاله‌ای از رمز و رازهای تئوریک و ایدئولوژیک و روزمره‌گی تا جایی است که بوزان، از نظریه پردازان برجسته در این باره، بیان کرده " هر کوششی برای درک مفهوم امنیت، بدون آگاهی کافی از تناقضات و نارسایی‌های موجود در خود این مفهوم ساده اندیشانه است. " (بوزان، ۱۳۷۹: ۳۷). مک سوئینی امنیت را واژه‌ای لغزنده و بی‌ثبات می‌خواند که در گستره گیج

کننده‌ای از زمینه های متنوع و در جهت اهداف چندگانه به وسیله افراد، شرکت ها، حکومت ها و متخصصان آکادمیک به کار رفته است و در این فضا مجموعه ای از چیزها، مردم، وسایل، اهداف، حوادث خارجی و احساسات درونی منظور شده‌اند (چگنی‌زاده، غلامعلی، ۱۳۷۹: ص. ۸۵-۸۴) تعبیر بوزان درباره پیچیدگی مفهوم امنیت این است که امنیت یک مفهوم توسعه نیافته است. به نظر وی امنیت هنوز توسعه لازم را پیدا نکرده است که بتوان یک مصداق واحد خارجی برای آن قایل شد و تعریف مشخصی از آن ارائه داد. (تاجیک، ۱۳۷۸: ۷).

مسائل امنیت نظامی اساساً زاده فرایندهای داخلی و خارجی استقرار و حفظ و یا ناتوانی از حفظ دستگاه حکومت در جوامع بشری است. مسلماً فرایند حکومت تنها به کاربرد زور ختم نمی شود. دولت ها و واحدهایی که سودای دولت شدن دارند از دیر باز موضوع اصلی امنیت نظامی دغدغه آنها بوده و تا حد زیادی نیز این موقعیت را حفظ کرده اند. حفظ یکپارچگی سرزمینی دولت، هدف سنتی امنیت نظامی است و دو محیط بلافصل - منطقه ای و داخلی - دولت کانون های اصلی توجه در این بخش به شمار می روند. (بوزان، ۱۹۹۸: ۸۷).

مباحث نظری

همانطور که می دانیم شکل گیری یک مداخله در ابعاد و سطوح مختلف با ایجاد بحران ژئوپلیتیکی آغاز می گردد. بحران ژئوپلیتیکی عبارت است از منازعه و کشمکش کشورها و گروههای متشکل سیاسی - فضایی و بازیگران سیاسی برسرکنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی.

بحرانها سرچشمه هاوانواع مختلف داشته و از لحاظ کارکردی منجر به خروج سیستم از حالت تعادل و بروز اختلال در وضعیت عادی و فرایندهای فضای جغرافیایی و زیستگاه انسانها می گردند. (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۶).

این بحرانها در اکثر مواقع منافع ملی رابه مخاطره می افکنند. منافعی که ارزشهای مادی و معنوی هستند که افراد یک ملت نسبت به آنها احساس تعلق، وابستگی و مالکیت نموده و برای حفاظت از آنها و جلوگیری از تصرف آنها به دست سایرین از خود حساسیت نشان داده و حاضر به پرداخت هزینه می باشد(حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

در بحرانهای ژئوپلیتیکی الگوی مداخله ای چند سطحی شکل می گیرد. به عبارتی سطوح مختلفی از بازیگران در ارتباط با بحران درگیر می شوند درگیر شدن بازیگران مزبور در بحران ژئوپلیتیکی بر مبنای اهداف مختلفی صورت می گیرد از قبیل: انگیزه بشر دوستانه و کمک به صلح و امنیت بین المللی، توسعه حوزه نفوذ، پیگیری اهداف و منافع ملی، ارتقاء موقعیت ژئوپلیتیکی در سیستم منطقه ای و جهانی از طریق بدست گرفتن مدیریت و رهبری فرآیند حل و فصل بحران که می تواند با رویکرد آشتی جویانه و یا تداوم بحران همراه باشد. سطوح مختلف بازیگران مداخله گر در بحران ژئوپلیتیکی عبارتند از:

مدعیان و طرفهای منازعه یا سطح محلی، سطح منطقه ای، سطح فرامنطقه ای، سطح فرامنطقه ای، سطح جهانی و کروی، سطح سازه ای یا سازمانهای منطقه ای نظیر سازمان ملل و شورای امنیت (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۶).

سطوح مداخله گران نظامی/امنیتی در خلیج فارس



منبع: طرح پیشنهادی پژوهشگر

یکی از ابعادى که این مداخله را شامل می‌شود بُعد نظامی‌گرى است که این بُعد در منطقه خلیج فارس به واسطه بیمى که کشورهای حاشیه جنوبی این خلیج از کشورهای شمال آن یعنی ایران و عراق دارند، نمود بیشتری دارد که منجر به حضور گسترده بازیگران فرامنطقه‌ای شده است. البته باید مختصرى نیز در رابطه با امنیت و تحولات آن اشاره نماییم.

با تحولات وقوع پیوسته در قرن بیست و یکم امنیت و شاخصه‌های آن نیز دچار دگرگونی‌های عمیقی گردیده است. و مفاهیمی چون امنیت بین الملل از دل این تحولات سر بر آوردن.

امنیت بین الملل بر خلاف امنیت اجتماعى دارای ریشه‌های استوارتری در سنت سیاست قدرتمندانه دارد (بوزان، ۱۳۸۶: ۴۶).

عرصه امنیت، عرصه بسیار پیچیده و حساسى است. گستره این مفهوم، عرصه تصمیم‌سازى، کنش و واکنش‌های حرفه‌ای است. هر پدیده امنیتی، با "تهدیدات" و "فرصت‌هایی" قرین است. در چنین زمینه‌ای، بازیگران همه در پی کسب "خیر" و دفع "ضرر" هستند. اما مقولات و موضوعات امنیتی اموری پیچیده، تودرتو و چند چهره‌اند. نمى‌توان برای آنان هویتی شفاف ترسیم کرد. در پهنه آن نمى‌توان انتظار نتیجه مشخص را داشت. نمى‌توان به بازی بدون خطا و بدون هزینه اندیشید و نمى‌توان برای ایفای نقش خود به پیش بینی دقیق وقایع و اقدامات دل خوش داشت. (تاجیک، ۱۳۸۰: ۲۰)

از بُعد نظامی، هدف اصلی بقا در موجودیت دولت مطرح می‌شود که در بررسی‌های سنتی معمولاً هر امر نظامی موضوعی امنیتی تلقی می‌گردد. دولت برای مقابله با تهدیدات خارجی و همچنین تهدیدات داخلی گروه‌های مسلح، نیازمند توانمندی نظامی است. گروه‌های داخلی تهدیدکننده امنیت شامل تروریستها، چریکها و کسانی که در اندیشه کودتا، شورش و قیام هستند می‌باشد. تهدیدات خارجی نیز شامل فعالیت‌هایی است که بواسطه اختلافات ایدئولوژیک و... توسط همسایگان شکل می‌گیرد. در منطقه خلیج فارس که هنوز دیدگاه‌های سنتی نسبت به امنیت وجود دارد دولتها برای تأمین امنیت در درجه اول به توانمند ساختن خود از منظر نظامی را دارند. اگرچه هر دولتی

باید از نظر نظامی به یک توانمندی معقولی برسد اما این که مقدار این توانمندی چقدر و به چه میزانی باشد و آیا برای حل بحران مربوطه باید متوسل به ابزار آلات نظامی شد متغیر است و جای بحث دارد. توانمندی نظامی، یکی از پارامترهای مهم در تأمین امنیت کشورهای منطقه خلیج فارس می باشد (staff Report committee).

اما برژنیسکی معتقد است: «منظور من از امنیت، یعنی امنیت نظامی صرف نیست، گرچه قدرت نظامی یکی از ابعاد مهم رقابت تاریخی آمریکا و شوروری است؛ در عوض معتقدم که امنیت ملاحظات بیشتری را در برمی گیرد؛ از جمله زمامداری سیاسی، قدرت اقتصادی، نوآوری تکنولوژیک، حیات ایدئولوژیک و ...؛ تلاش برای نیل به امنیت بدون عنایت به چنین ملاحظاتی چندان مؤثر نخواهد بود و احتمالاً به شکست می انجامد» (مک کین لای، ۱۳۸۰: ۱۷).

والتریپمن: در سال ۱۹۴۳ واژه امنیت را این چنین تعریف کرد: «یک ملت هنگامی از امنیت برخوردار است که در موقع خطر مجبور به فدا کردن ارزشهای حیاتی خود نباشد. اگر مایل بود بتواند از جنگ اجتناب کند و اگر وارد جنگ شد بتواند ارزشهای حیاتی خود را از طریق پیروزی در نبرد پاس دارد.» (مارتین، ۱۳۸۲: ۹۶).

آرنولد و لفرز، در سال ۱۹۶۲ امنیت را چنین تعریف کرد «امنیت در یک مفهوم عینی، به فقدان تهدیدها نسبت به ارزشهای اکتسابی تلقی می شود و در یک مفهوم ذهنی بر اساس فقدان دلهره و نگرانی از به مخاطره افتادن ارزشها و توانمندی لازم در کسب نتایج منصفانه ارزیابی می شود» (فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۶۳: ۶۸).

زمانی که صحبت از امنیت می شود، ضروری است به سه نوع واحدی که پایشان در تحلیل امنیت در میان است نیز پرداخته شود.

الف) موضوعات امنیت: چیزهای که موجودیتشان در معرض تهدید انگاشته می شود و دعوی مشروعی برای بقا دارند.

ب) بازیگران امنیتی کننده: بازیگرانی که با اعلام در معرض تهدید بودن موجودیت چیزی - یکی از موضوعات امنیت - مسائل را امنیتی می کنند.

ج) بازیگران صاحب نقش: بازیگرانی که برپوش های یک بخش تأثیر می گذارند. این بازیگران نه از موضوعات امنیت هستند و نه جزو بازیگرانی که خواهان امنیتی انگاشته شدن یکی از موضوعات امنیت می شوند، ولی تأثیر چشمگیری بر تصمیمات متخذه در حوزه امنیت می گذارند (بری بوزان، ۱۳۸۰: ۶۶).

طرح تحقیق

در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس که متشکل از ۸ بازیگر اصلی که تولید کنندگان اصلی انرژی در جهان به شمار می آیند، امنیت و تأمین آن همواره یکی از دغدغه های اصلی این بازیگران بوده و هست. به همین خاطر هریک از کشورهای این منطقه خصوصاً سه قطب اصلی آن یعنی ایران - عربستان و عراق در جستجوی راههایی برای رسیدن به این مهم می باشند.

اما از آنجا که منطقه خلیج فارس دارای شکاف بزرگ ژئوپلیتیک یا به عبارتی دارای ساختار شکسته سیاسی است کشورهای منطقه خصوصاً سه بازیگر اصلی آن دارای ماهیت و نگرشها و علایق ژئوپلیتیکی متفاوتی هستند و به همین خاطر به عنوان رقیب یکدیگر متجلی می شوند. تجلی قطبهای قدرت متعدد و متنوع در یک منطقه ژئوپلیتیکی

آن را شکاف دار می‌کند و انسجام منطقه ای به چالش کشیده نهایتاً هریک از این کشورها دیدگاههایی نسبت به امنیت پیدا می‌کنند که بعضاً با یکدیگر متفاوت می‌باشد. که بزرگترین پیامد آن حضور قدرتهای فرامنطقه در منطقه به منظور حمایت از یک کشور در مقابل کشوری دیگری است که از یک منطقه و به عبارتی از یک خانواده می‌باشند. در این مقاله هدف اصلی نگارنده بررسی مداخله گران نظامی است که در سطوح منطقه ای - فرامنطقه ای - جهانی و سازه ای در منطقه خلیج فارس به ایفای نقش مشغولند و سپس پیامدهای آن را برای ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم.

سؤالات تحقیق

۱- علت حضور قدرتهای مداخله گر نظامی در منطقه خلیج فارس چیست و چه پیامدهایی را برای منافع ملی ایران به همراه دارد؟

۲- بازیگران فرامنطقه‌ای با چه ابزارهایی به ایفای نقش مداخله خود می‌پردازند؟

روش انجام کار تحقیق

این تحقیق به دنبال آزمون و ارزیابی فرضیات زیر می‌باشد:

- وجود مداخله گران فرامنطقه ای در سطوح مختلف از بُعد نظامی به خاطر دیدگاههای متفاوت و بعضاً متضادی است که کشورهای خلیج فارس در خصوص امنیت دارند حضور بازیگران فرامنطقه‌ای را موجب شده است. این امر نه تنها تنش بین کشورها را کم نمی‌سازد بلکه فضایی مملو از سوء ظن را میان آنها تشدید می‌نماید.
- بازیگران فرامنطقه‌ای موضوعات مختلفی چون پایگاههای نظامی، قراردادهای نظامی و مانورهای مشترک نظامی به ایفای نقش مداخله خود می‌پردازند.

روش تحقیق و شیوه گردآوری اطلاعات

به منظور ارزیابی و آزمون فرضیات مذکور و تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. و اطلاعات مورد نظر از، کتب لاتین و فارسی، پایگاههای اینترنتی و نشریات معتبری که در خصوص موضوع مورد بحث مقالات، گزارشات و... داشتند، استفاده گردیده.

یافته های تحقیق

شورای امنیت خلیج فارس

پس از جنگ آمریکا با صدام حسین در سال ۱۹۹۱، نسخه طرح امنیتی پیمان دمشق (۲+۶) در شورای همکاری خلیج فارس تجویز شد.

در بیانیه دمشق، شش عضو شورای همکاری خلیج فارس به همراه مصر و سوریه متعهد شدند تا اتحاد زمان جنگ خود را به چارچوب جدیدی برای همکاری های اقتصادی، سیاسی و نظامی تبدیل کنند. همچنین قرار شد

مصر و سوریه در مقابل کمک‌های اقتصادی کشورهای ثروتمند نفت خیز عرب منطقه، نیازهای نظامی شورای همکاری خلیج فارس را تأمین کنند.

اما در عمل کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از هماهنگ کردن ترتیبات دفاعی خود با حکومت‌های سوریه و مصر به گونه‌ای که سربازانشان را به صورت نامحدودی در منطقه خلیج فارس مستقر کنند. اجتناب ورزیدند.

در عوض هر عضو شورای همکاری خلیج فارس، شیوه مستقلی را برای کسب آموزش و ساختار نیروهایش اتخاذ کرده و ترتیبات یک جانبه‌ای را با قدرت‌ها و شرکت‌های غربی برای برآوردن نیازها و کسب تضمین‌های امنیتی به وجود آورده است. می‌توان گفت ترتیبات امنیتی در شورای همکاری خلیج فارس بیشتر متکی بر قدرت‌های خارجی است تا همکاری درونی و منطقه‌ای.

حوادث یازدهم سپتامبر و جنگ افغانستان و عراق تا اندازه‌ای نگاه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را در مورد ترتیبات امنیتی و همکاری با جمهوری اسلامی ایران تدیل کرد، اما این تعدیل اما این تعدیل هنوز در عرصه عمل و میدان‌های عملیاتی خودنمایی چندانی نکرده است. عربستان سعودی سعی دارد تا خود را از سیطره امنیتی آمریکا نجات دهد، اما همزمان با تیره شدن مناسبات با واشنگتن بیم دارد و روحیه غرب‌گرایی این کشور نیز مانع از آن شده تا در نشست‌های مشترک با سایر کشورهای و در شورای همکاری خلیج فارس به ایران بر سر جزایر سه گانه حمله نکند و تهران را اشغالگر نامند.

بیگانگی شورای همکاری خلیج فارس با چند جانبه‌گرایی منطقه و همکاری فزاینده و پایدار با جمهوری اسلامی ایران، مشکلاتی را در ایجاد سیستم نوین امنیت منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس موجب شده است. (راتمل، ۲۰۰۳: ۱۵۶)

چند جانبه‌گرایی منطقه‌ای مشخصاً در تعریف محیط امنیتی خلیج فارس، نقش ثانویه و حاشیه‌ای دارد. در حالی که شورای همکاری خلیج فارس یک سازمان چند جانبه مهم است، اما دلیل وجود به اختلاف نظر، بیماری‌های درونی و انحصاری بودن، نمی‌تواند شالوده محکم و قابل اتکایی برای چارچوب جدید امنیت در منطقه باشد. در حال حاضر، هنوز هم آمریکا به تقویت شورای همکاری خلیج فارس در برابر ایران می‌پردازد و تهران همچنان از نظم امنیتی منطقه کنار گذاشته شده است (دانزینگ، ۱۹۹۹: ۱۰۸).

عوامل مهم مؤثر بر شرایط امنیتی خلیج فارس

منطقه خلیج فارس علاوه بر ویژگی‌های منحصر به فرد خود به شدت تحت تأثیر شرایط امنیتی سیستم‌های همجوار و حتی فرامنطقه‌ای قرار دارد. لذا ایجاد ترتیبات مناسب امنیتی در این منطقه باید با ملاحظه شرایط سیستم‌های مذکور باشد.

۱ - سیستم خلیج فارس یک کلونی و محیط بسته امنیتی نیست و امنیت آن از امنیت و ثبات و بی‌ثباتی حوزه‌های مجاور، خاورمیانه عربی، آسیای جنوب غربی، آسیای صغیر، آسیای مرکزی، شبه قاره هند، شمال آفریقا و... متأثر است.

- ۲- شرایط و روندهای اقتصاد جهانی و بویژه مسئله انرژی و نوع میزان مصرف و نحوه تسلط قدرتها بر منابع انرژی بر وضعیت امنیتی خلیج فارس تاثیر زیادی دارد.
- ۳- روند تعادل قدرت در میان قدرتهای برتر جهانی و مناسبات امنیتی دوسوی آتلانتیک نیز بر وضعیت امنیتی خلیج فارس تاثیر مستقیم دارد.
- ۴- سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و نحوه گسترش منافع فرا اقیانوسی این کشور به عمده ترین دلیل بی ثباتی و ناامنی در منطقه خلیج فارس تبدیل شده است.
- ۵- وضعیت امنیتی رژیم صهیونیستی به ویژه پس از شکست در جنگ ۳۳ روزه لبنان و ناکامی در مهار حرکت فلسطینیان درغزه از دیگر عوامل موثر در امنیت منطقه خلیج فارس است.
- ۶- مناسبات بین العربی و اختلافات کهن کشورهای مختلف این منطقه (اختلافات ارضی، سیاسی و فرهنگی) و تأثیر آن در تعامل میان دولتها از دیگر عوامل موثر در امنیت منطقه خلیج فارس است.
- ۷- موقعیت جمهوری اسلامی ایران و تثبیت اقتدار آن در منطقه تأثیر مهمی بر شرایط امنیتی در خلیج فارس دارد. طی سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا و قدرتهای غربی توانسته اند تا با تهدیدنمایی ایران برای کشورهای منطقه و بزرگنمایی مسائل هسته ای و تسلیحاتی ایران زمینه انعقاد پیمانهای دوجانبه و چندجانبه را ایجاد کرده و بازار مناسبی برای فروش تسلیحات خود بیابند. تداوم این روند با توجه به شکست راهبرد ایران هراس غرب و ناتوانی در حذف نقش ایران در منطقه سبب تغییر استراتژی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس شده است (اسکافیلد، ۲۰۰۰: ۳۶۵).

ویژگی های سیستم امنیتی شورای همکاری خلیج فارس

- اساسی ترین ویژگی های سیستم امنیتی شورا عبارتند از:
- محیط امنیتی در شورای همکاری خلیج فارس هنوز خود حمایتی نیست و در این شورا یک عامل بیرونی و عنصر مداخله گر (آمریکا) همچنان حضور خود را حفظ کرده است.
 - سیستم امنیتی موجود براساس خودیاری است، نه دگریاری.
 - شورای همکاری خلیج فارس در درون از بحران اعتماد رنج می برد چراکه بین کشورهای منطقه اعتماد و اطمینان چندانی وجود ندارد و همچنین هنوز اقدامات اطمینان ساز و تنش زدا به صورت مطلوب در میان تمامی اعضا گسترش نیافته است. ادعای امارات متحده بر سر جزایر سه گانه ایران، خریدهای گسترده تسلیحاتی، توافق های نظامی دوجانبه اعضای شورای همکاری خلیج فارس با آمریکا و ... نقش اقدامات اعتماد سازی را تحت الشعاع قرار داده است.
 - تمامی کشورهای منطقه با یکدیگر هم مرز هستند (مرزهای خشکی و آبی) و بیشتر بر سر مسائل ارضی با یکدیگر اختلاف دارند. بین عمان، امارات متحده عربی و عربستان سعودی بر سر واحه ((بوریمی)) منازعات و کشمکش های بسیاری روی داده است. عمان با امارات علاوه بر واحه بوریمی، در منطقه ((العین)) در امارت شارجه و مناطق مرزی ((ربع، روضه و دبا)) رأس الخیمه نیز اختلافات دیرینه ای دارد. قطر و بحرین نیز در

مورد جزایر ((حوار)) یا یکدیگر اختلاف دارند. کویت و عربستان هم مدعی حاکمیت بر جزایر غیر مسکونی ((قاروه)) و ((ام المرادیم)) هستند. ادعای امارات متحده عربی نسبت به جزایر ایرانی ابوموسی و تنب کوچک و بزرگ، مشکلاتی را در اعتماد سازی و همکاری منطقه ای میان تهران با اعضای شورای همکاری خلیج فارس ایجاد کرده است.

- وجود قدرت بزرگی مانند ایران، ترس و نگرانی کشورهای کوچک و ذره ای عضو شورای همکاری را برانگیخته است، بنابراین آنها امنیت خود را با قدرت های خارج از منطقه پیوند زده اند. جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ دیپلماسی اعتماد ساز و تنش زدا و سیاست منطقی و اصولی باید در جنگ کویت و عراق کوشید تا بر این ترس و بحران اعتماد در شورای همکاری خلیج فارس چیره شود.

- کنار گذاشته شدن ایران و حتی عراق از محیط امنیتی حوزه خلیج فارس، ترتیبات امنیتی منطقه را لرزان و متزلزل کرده است.

- بحران اعتماد و احساس نا امنی در کشورهای خلیج فارس، به امنیت مسلح و دور باطلی از خریدهای تسلیحاتی در منطقه انجامیده است. امنیت مسلح، حاصل رهیافت امنیتی براساس خودیاری است، نه دگریاری.

- مشروعیت نداشتن یک رژیم افزون بلر آنکه می تواند رفتار تهاجمی را در سیاست خارجی موجب شود، زمینه را برای تحریکات خارجی و همسایگان و در نهایت مداخله آنها فراهم آورد.

- ضعفها، اختلافات روانی، روابط عمودی و مناسبات نظامی هر یک از اعضای شورای همکاری با قدرت های بزرگ، کار آمدی و اعتبار شورا را در میان افکار عمومی و رسانه های منطقه با سؤال و تردیدهای جدیدی روبه رو ساخته است. ((احمد العربی)) نماینده مجلس کویت در مقاله ای در این روزنامه با اشاره به نشست های شورای همکاری خلیج فارس می نویسد: ((در شرایطی که تمامی اتحادیه ها و مجموعه های بین المللی به جلو گام بر می دارند و خواسته ها و آمال ملتشان را برآورده می سازند، ما بار دیگر به نقطه صفر بازگشته ایم)). وی تأکید کرد: ((رفتارهای سلیقه ای، بی اعتمادی متقابل و سیاست های ناسالم، بر سران شورای همکاری خلیج فارس حاکم شده و از تحقق کمترین خواسته های مردم کشورهای عضو جلوگیری می کند)).

((شورای همکاری خلیج فارس، تنها برای رویارویی با چالش های منطقه ای به ویژه نخستین جنگ خلیج فارس که میان ایران و عراق رخ داد، ایجاد شده و تمامی طرح ها و برنامه های آن مانند امنیت اجتماعی و فردی، دفاع مشترک، تکامل اقتصادی و وحدت اجتماعی، همه و همه شعارهایی بیش نبوده است)) (فیشر، ۱۹۹۹: ۱۱۲).

بررسی وضعیت کنونی سیستم امنیتی خلیج فارس؛ مداخله گران نظامی در خلیج فارس

اما باید یک نکته را خاطر نشان ساخت و آن این می باشد که عمده مداخلات در این حوزه از سوی بازیگران جهانی در منطقه و با هدف بازدارندگی کشورهای شمال منطقه خلیج فارس خصوصاً ایران صورت می گیرد. ضمناً باید عنوان نمود، کلمه مداخله گر عمدتاً به کشورهای اطلاق می گردد که خارج از خانواده ۸ عضوی خلیج فارس هستند که توسط اعضا وارد منطقه گردیده اند. اگر بخواهیم به عمق این مداخلات پی ببریم باید اشاره ای به پیمانها، قراردادهای، مانوهای مشترک و... این کشورها با قدرتهای فرا منطقه ای داشته باشیم. از این رو بحث خود را از مداخلات فرامنطقه ای آغاز می نمایم.

الف) سطح فرا منطقه‌ای:

- در این سطح می‌توان به پاکستان اشاره نمود که بعد از حمله عراق به کویت و شروع جنگ دوم خلیج فارس، عربستان که خود از تأمین امنیت کشور و نیز دو شهر مقدس مکه و مدینه عاجز مانده بود از نیروهای پاکستانی برای دفاع از این شهر استفاده نمود که هنوز این نیروها در این دوشهر می‌باشند. از آنجا که ورود غیر مسلمانان به داخل این دوشهر غیر ممکن بود به همین خاطر عربستان نمی‌توانست از نیروهای نظامی کشورهای غربی خصوصاً ایالات متحده استفاده نماید.

- از سویی دیگر کشور یمن در طی یکسال گذشته در عمان به همراه شش کشور حاشه جنوبی خلیج فارس مانور مشترکی را برگزار کردند. این اولین باری بود که از یمن برای شرکت در برنامه های نظامی امنیتی کشورهای خلیج فارس دعوت به عمل آمده است.

- افزون بر آن کشور ترکیه به مدت ۱۰ سال است که دارای پایگاه نظامی در شمال عراق می‌باشند. مقامات کرد عراق از استقرار ۱۰ ساله صدها سرباز ترکیه در داخل مرزهای شمال عراق خبر دادند. به نقل از خبرگزاری فرانسه، براساس یک توافق میان ترک‌ها و حزب منطقه‌ای کردستان به ریاست جمهوری "مسعود بارزانی"، اردوگاه‌هایی در شرق شهر مرزی زاخو در حدود ۳۰ کیلومتری داخل عراق ایجاد شدند. یک مقام دولت خودمختار کردستان عراق گفت: «از سال ۱۹۹۷ چهار پایگاه در کردستان تشکیل شده است.» در آن زمان سربازان ترکیه برای حمایت از حزب دمکراتیک کردستان به رهبری بارزانی اعزام شدند تا با اتحادیه میهن‌پرستی کردستان به رهبری "جلال طالبانی" مبارزه کنند (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۶/۷/۲۵).

ب) سطح جهانی

ما در این سطح با بازیگران متفاوتی روبرو می‌شویم که در بخشهای مختلفی به ایفای نقش می‌پردازند که عبارتند از:

ایالات متحده آمریکا پس از آنکه بریتانیا در اواخر دهه ۱۹۶۰ اعلام کرد که تا سال ۱۹۷۰ نیروهای نظامی خود را از منطقه شرق کانال سوئز خارج خواهد کرد، موضوع امنیت خلیج فارس به صورت بزرگترین دغدغه ایالات متحده درآمد. از آنجا که آمریکا در آن زمان درگیر جنگ ویتنام بود برای حل این مشکل دکترینی از سوی رهبران آمریکا ارائه شد که به دکترین نیکسون - کسینجر معروف است. طبق این دکترین مسئولیت حفظ امنیت برخی از مناطق حساس جهان به عهده متحدان منطقه‌ای آمریکا سپرده می‌شد و متحد منطقه‌ای آمریکا در خلیج فارس ایران بود. نهایتاً در سال ۱۹۷۱ با توافق مشترک آمریکا و انگلیس در چارچوب سیاست و استراتژی غرب بویژه آمریکا، شاه ایران به عنوان ژاندارم منطقه در خلیج فارس تعیین شد.

اما هفت سال بعد یعنی در سال ۱۹۷۸ با وقوع انقلاب اسلامی ایران از صف متحدان نزدیک آمریکا خارج شد و ایالات متحده مجبور گردید به طور مستقیم در منطقه حضور پیدا کند (خانه ملت، ۱۳۸۵/۱۱/۲۱). حضور نظامی گسترده آمریکا در این منطقه پس از جنگ در خلیج فارس در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۱ آغاز شد، یعنی زمانی که نیروهای عراقی کویت را اشغال کردند و نیروهای ائتلاف بین‌المللی در هم شکستند. در آن زمان پایگاه های نظامی

آمریکا در کویت، بحرین، عربستان سعودی، قطر، عمان و امارات متحده عربی ایجاد شدند. بسیاری از کشورهای جهان که وابسته به واردات نفت هستند، از حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس استقبال کردند. طبق آمار موجود، در سال ۲۰۰۲ آمریکا تنها ۲۵٪ از نفت وارداتی از خلیج فارس را مصرف کرد و باقی را ژاپن، چین، اروپا و هند خریداری کردند که حفظ امنیت در این منطقه برای آنان حیاتی است. نهایتاً می‌توان گفت آمریکا از طریق ایجاد پایگاه‌های نظامی سعی در کنترل سایر کشورها حوزه خلیج فارس دارد (خبرگزاری نوع دوستی، ۱۳۸۶/۱۰/۲۱).

◆ پایگاه‌های نظامی

عراق:

در ساحل غربی خلیج فارس وزارت دفاع آمریکا بعد از جنگ دوم خلیج فارس اقدام به ساماندهی مجدد خود در منطقه کرد.

ارتش آمریکا اکنون در حال تجهیز چهار پایگاه نظامی عظیم در عراق است که هر یک می‌تواند بین ۴۰ تا ۶۰ هزار نیرو و دواسکادران هوایی جنگی را در خود جای دهد. این پایگاهها در مناطق زیر واقعند:

* پایگاه هوایی الطلیل در جنوب عراق

* پایگاه نزدیک به فرودگاه بغداد در مرکز عراق

* پایگاه باشور در شمال عراق

* پایگاه H1 در غرب عراق

این پایگاهها مجهز به مراکز فرماندهی و کنترل، سامانه‌های ارتباطات، انبارهای خودروهای جنگی، سامانه‌های تسلیحاتی محوری، مهمات، ادوات مختلف و لوازم یدکی در کنار مراکز امداد و پشتیبانی لجستیکی است (خانه ملت، ۱۳۸۶/۳/۲۱).

البته قابل ذکر است آمریکا در حال برنامه‌ریزی برای تأسیس پایگاه‌های نظامی در کردستان عراق است. شبکه «سی.ان.ان.ترک» در گزارشی اعلام کرد که واشنگتن در پی ایجاد قرارگاه‌های نظامی در شمال عراق است و کردهای عراقی نیز مایل به تحقق این امر هستند. در حقیقت مدتی است که آمریکا آرام و آهسته برنامه‌هایی سری را جهت استقرار دائمی نظامیان در شمال عراق در نظر گرفته است و برای این کار، احتمالاً منطقه نظامی واقع در فرودگاه بین‌المللی «اربیل» را انتخاب کند. اما مقامات گُرد عراقی به آمریکا پیشنهاد داده‌اند که از پایگاه هوایی قدیمی «حدیر» برای تأسیس قرارگاه نظامی استفاده کنند. این پایگاه در شمال اربیل واقع است. از سوی دیگر، یک مقام نیروهای ائتلاف نیز درباره این برنامه گفت که به نظر «دونالد رامسفلد»، وزیر دفاع آمریکا، پایگاه‌های کوچک در مناطق مشکل ساز برای برقراری ثبات اهمیت ویژه‌ای داشته و قسمتی از استراتژی کلی آمریکا در منطقه است. البته با توجه به اظهارات «جلال طالبانی»، رئیس جمهوری عراق به نظر می‌رسد کردهای این کشور چندان هم بی‌علاقه به ادامه حضور نیروهای آمریکایی در عراق نیستند. طالبانی چندی پیش در مصاحبه با روزنامه «وال استریت ژورنال» تأکید کرد که مردم عراق به حضور نیروهای آمریکایی احتیاج دارند و اگر این نیروها از عراق خارج شوند، ممکن است

برخی همسایگان وارد این کشور شوند و استقرار نیروهای آمریکایی می تواند امنیت این مناطق را تضمین کند (روزنامه ایران، ۱۳۸۴/۷/۱۹).

قطر:

یکی دیگر از پایگاههای ثابت کشور آمریکا در کشورهای عربی خلیج فارس در قطر می باشد. بعد از جنگ خلیج فارس، قطر قراردادهای همه جانبه نظامی با کشورهای آمریکا، بریتانیا و فرانسه امضا کرده است. قطر هم اکنون چندین پایگاه نظامی برای پشتیبانی و حمله در اختیار آمریکا قرار داده و پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و مشکلات آمریکا با عربستان، به مقر اصلی استقرار نیروهای آمریکایی تبدیل شده است. این پایگاههای عبارتند از:

پایگاه عملیاتی هوایی **العدید^۱** در ۳۵ کیلومتری جنوب دوحه، پایتخت قطر و در ۷۰ کیلومتری مرز مشترک این کشور با عربستان سعودی است. که از اکتبر ۲۰۰۱ به مهمترین پایگاه هوایی آمریکا در آسیا و خاورمیانه تبدیل شده است. از همین سال نیز شهرکی با نام کمپ دیوید بنا شد که اکنون هزاران نظامی آمریکایی در آن زندگی می کنند. پیش از آن مرکز فرماندهی آمریکا در **Macdill** فلوریدا قرار داشت اما با انتقال این فرماندهی به قطر، اکنون فرماندهی عملیاتی این کشور در پایگاه العدید قطر قرار دارد. این پایگاه که دولت قطر بیش از ۴۰۰ میلیون دلار برای بهینه سازی آن در مقابل حمایت نظامی آمریکا از این کشور پرداخت کرده این روزها به مرکز فعل و انفعالات گسترده ارتش آمریکا تبدیل شده است (تایلر، ۲۰۰۲: ۱۳۰).

باندهای این پایگاه برابر با ۱۴۷۶۰ پاست که باند پروازی ۱۲۰ هواپیمای جنگی آمریکا محسوب می شود. دولت قطر مدعی است ایجاد این پایگاه در کشور عطف به قرارداد امنیتی و نظامی دو کشور در سال ۱۹۹۲ است که التزامات دوطرفه ای بین دوحه و واشنگتن ایجاد کرده است. در شرایط عادی در این پایگاه ۲۴ هواپیمای امداد رسانی سوخت و تدارکات از نوع (C-17 Globemaster Transport و KC-135E Stratotanker Refuelers) وجود دارند که در شرایط غیرعادی افزایش می یابند که در زمان حمله آمریکا به عراق این تعداد به ۳۰ هواپیما افزایش یافت.

پایگاه دیگر سیلیه^۲ می باشد که در حمله به عراق نقش رهبری عملیاتی نظامی آمریکا را عهده دار بود و اکنون نیز همین نقش را برای عملیات نظامی در افغانستان دارد. بطور کلی این دو پایگاه بزرگترین پایگاههای عملیاتی آمریکا در خارج از این کشور و در قطر می باشد (روزنامه سیاسی اجتماعی، ۱۳۸۶/۷/۲۷).

بحرین

کشور آمریکا در بحرین نیز دارای پایگاههای هواپیمایی مهمی می باشد. این پایگاهها عبارتند از: بندر سلمان، فرودگاه المحرق و پایگاه هوایی شیخ عیسی و پایگاه نظامی الجفیر در منامه که مرکز فرماندهی ناوگان پنجم آمریکا با ۱۲۰۰ نظامی در آن قرار دارد (روزنامه سیاسی اجتماعی، ۱۳۸۶/۲/۲۷). امضای قرارداد امنیتی با آمریکا در سال ۱۹۹۱

^۱: Al Udeid Air Base

^۲: Camp As Sayliah

(این قرارداد ده ساله بوده و شامل تمامی زمینه های امنیتی است و به آمریکا اجازه می دهد تا از تمامی پایگاه های هوایی و دریایی و بنادر بحرین استفاده کند).

عربستان

یکی از مهمترین پایگاه نظامی آمریکا در عربستان در منطقه «ظهران» می باشد (خانه ملت، ۱۳۸۵/۱۱/۲۱). با آنکه از سال ۲۰۰۱ پایگاه آمریکا از عربستان به قطر انتقال یافته است اما هنوز نیروهای نظامی آمریکایی در الدمام و منطقه الظهران و پایگاه دریایی ملک فهد و پایگاه هوایی ملک خالد و پایگاه نظامی هوایی الامیر سلطان در جنوب ریاض استقرار دارند (روزنامه سیاسی اجتماعی، ۱۳۸۶/۲/۲۷).

کویت

پایگاههای نظامی علی السالم و پایگاه هوایی احمد الجابر نیز از پایگاههای استقرار نیروهای آمریکا در کویت بشمار می رود که بیش از ده هزار نظامی آمریکایی، ۵۲۲ واحد توپ خانه، ۵۲ جنگنده آمریکایی، ۷۵ هلیکوپتر آپاچی و موشک های پاتریوت در آن استقرار دارند (روزنامه سیاسی اجتماعی، ۱۳۸۶/۲/۲۷).

عمان

پادشاهی عمان نیز دارای پایگاه های مشترک آمریکا و انگلستان است که گنجایش آنها در حدود ۳۰۰۰ نفر است و عمدتاً در پایگاه های هوایی تیمور و مصیره در دریای عمان قرار دارند و به عنوان مرکزی برای عملیات در افغانستان مورد استفاده قرار می گیرد (روزنامه سیاسی اجتماعی، ۱۳۸۶/۲/۲۷).

- قرارداد سال ۱۹۸۱ مبنی بر تحت اختیار قرار دادن سه پایگاه هوایی به آن کشور (آمریکا با این قرارداد، بزرگترین پایگاه های پشتیبانی خود در خاور میانه را به دست آورد). طبق این قرارداد جزیره ((مصیره)) برای استفاده هوایی و دریایی نیروهای آمریکایی در اختیار این کشور قرار گرفت.

- قرارداد سال ۲۰۰۲، مبنی بر ساخت پایگاه هوایی المثنی در کشور عمان با استانداردهای آمریکایی برای استفاده نیروی هوایی آمریکا از آن. (این قرارداد بالغ بر ۱۲۰ میلیون دلار بوده و پایگاه یاد شده برای بمب افکن ها و نیز حمل و نقل استفاده خواهد شد) (تایلر، ۲۰۰۲: ۱۵۰)

امارات متحده عربی

مشاوران ارشد نظامی این کشور از کشورهای آمریکا، فرانسه، بریتانیا و آلمان هستند. این کشور با ایالات متحده آمریکا در زمینه نظامی، همکاری و روابط نزدیکی دارد. در سال ۱۹۹۷، امارات متحده عربی، ۵۶ میلیون دلار برای خرید ادوات، برنامه ریزی، آموزشی، بررسی مسائل منطقه ای و نظایر آن از آمریکا هزینه کرده است (تایلر، ۲۰۰۲: ۱۵۶).

امارات اکنون کمترین سهم را در حضور نیروهای آمریکایی در خاکش دارد اما بیشترین هواپیماهای جاسوسی و راداری آمریکا در مقایسه با دیگر کشورهای عضو شورای همکاری به جز قطر را دارد. (روزنامه سیاسی اجتماعی، ۱۳۸۶/۲/۲۰).

◆ قراردادهای نظامی جهت خرید تجهیزات تسلیحات نظامی و آموزش های نظامی

اخیراً آمریکا اعلام کرده که یک قرار داد ۲۳ میلیارد دلاری برای فروش سلاح به کشورهای عرب منطقه خلیج فارس در نظر گرفته است که از یک سو نشانگر نفوذ صنایع نظامی آمریکا در بازار تسلیحاتی این منطقه و از سوی دیگر نشانه جایگاه خرید تسلیحاتی از آمریکا در سیاست های دفاعی این کشورهاست. واقعیت این است که این مبادلات تازگی ندارد و سالهاست که صنایع نظامی آمریکا از طریق مراودات سیاسی سران آمریکا احکام این کشورها از این بازار بزرگ سود می بند تا سال ۱۹۹۰ حضور و پایگاههای آمریکا در خلیج فارس شکلی موقت داشت اما پس از جنگ کویت و سپس حمله سال ۲۰۰۱ به افغانستان و سپس حمله ۲۰۰۳ به عراق، حضور آمریکا و سایر قدرتهای جهانی در پایگاههای دایمی بیشتر شده است. یکی از دلایل این امر انعقاد قرار دادهای جدید دفاعی از سوی کشورهای نظیر کویت، بحرین، قطر و امارات با آمریکا است. که این قرار دادهای زنجیره‌ای مشابه قرار دادهایی است که انگلستان در قرن ۱۹ با شیوخ خلیج فارس منعقد کرد و آنها را تحت الحمایه خویش قرار داد.

کویت

نخستین قرار داد نظامی آمریکا با این کشور در ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۱ منعقد گردید. مفاد این قرار داد این بود که آمریکا از پایگاههای هوایی، دریایی و زمینی این کشور برخوردار شود. نیروهای نظامی آمریکا آموزش نیروهای نظامی کشور را برعهده گرفت. برگزاری مانورهای مشترک نظامی نیز یکی از مفاد این قراردادهاست. به موجب این قرار داد آمریکا اقدام به انبار کردن تسلیحات در این کشورها کرد. فروش اسلحه یکی دیگر از مفاد این قرارداد است. همچنین بر اساس این قرار داد دفاع از این کشور بر عهده آمریکا است. کویت در سال ۲۰۰۱ با تمدید قرار داد همکاریهای نظامی خود با آمریکا واشنگتن اجازه داده است که از تأسیسات و پایگاههای کویت برای ۱۰ سال دیگر استفاده کند (جهان اقتصاد، ۱۳۸۵/۳/۱۲).

همچنین قابل ذکر است کشور کویت به تازگی طی قرار دادی از ایالات متحده موشک پاتریوت خریداری نموده است. کویت همچنین اعلام نموده که قرار دادهای نظامی که این کشور با ایالات متحده منعقد کرده شامل تجهیزات نظامی همچون ناو و موشکهای ضد هوایی مثل پاتریوت است (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۶/۷/۲۱).
- قرارداد ده ساله مبنی بر همکاری های نظامی و دفاعی در سال ۱۹۹۱ (این قرارداد پس از ده سال خود به خود تمدید می شود).

قرارداد محافظت از تانکرهای نفتی کویت در سال ۱۹۸۷ (در خلال جنگ نفتکش ها)؛
- فروش ادوات و تجهیزات جنگی به ارزش ۵/۵ میلیارد دلار (در ده سال اخیر) مشتمل بر سیستم دفاع موشکی، جنگنده های F-18 و تانک جنگی M1A2.

عربستان

عربستان سعودی یکی از بزرگترین خریداران تسلیحات آمریکایی در منطقه است. هر ساله بخش عمده‌ای از بودجه کشور صرف خریدهای تسلیحاتی می شود. این سلاح‌ها بسیار پیشرفته و پیچیده هستند. این امر سبب حضور کارشناسان آمریکایی در عربستان شده است. این کارشناسان نیروهای نظامی عربستان را آموزش می دهند و مانورهای

مشترک با آنها برگزار می کنند. با وجود این قابلیت نیروهای نظامی عربستان محل تردید است. (جهان اقتصاد، ۱۳۸۵/۳/۱۲). همچنین ایالات متحده قرار داد ده ساله‌ای به ارزش ۲۰ میلیارد دلار با این کشور به منظور فروش تجهیزات نظامی بسته است. این تسلیحات نظامی شامل سامانه های هشدار، تقویت قدرت هوایی و سامانه‌های دریایی برای مقابله با دشمنان می شود.

- قرارداد سپر صلح، سفارش ۷۲ فروند جنگنده S (F-15) به آمریکا در سال ۱۹۹۳، برنامه مدرن سازی و به روز کردن پنج فروند بوئینگ A (A30) فروش چهار فروند آواکس از آمریکا، احداث یک مرکز تعمیر و نگهداری تجهیزات و جنگ افزار نیروهای سپر شبه جزیره در پایگاه هوایی الخرج در سال ۱۹۹۴، انتقال هشت دستگاه سیستم پرتاب موشک پاتریوب زمین به هوا در سال ۱۹۹۳، امضای دو قرارداد دو میلیارد فرانکی شولا است که سیستم موشکی زمین به هوای ارتفاع پایی را مدرن سازی خواهد کرد و قرارداد دوم در ادامه قرارداد ۱۹۸۴ الثاکب، برای ۱۲ واحد شلیک موشک زمین به هوای شاهین ۱۲ برای ارتفاع پایین و ۳۶ واحد آتش موشک های (AMXC 30 A). انتقال ۳۱۵ دستگاه تانک M1A2 آبراهم از جنرال دایمناکس. فروش ۴۰۰ موشک استینگر در سال ۱۹۸۴ (تایلر، ۲۰۰۲: ۱۵۴).

بحرین

بحرین به علت محدودیت سرزمینی و جمعیتی از نظر توان نظامی ضعیف است. کل نیروهای مسلح بحرین ۱۲۰۰۰ نفر است که از میان آنها ۷۸۰۰ نفر نیروهای زمینی و ۱۶۰۰ نفر نیروی دریایی و ۱۷۰۰ نفر نیروی هوایی است. همچنین بحرین سه نیروی شعبه نظامی دارد که ۱۰۰۰۰ نفر پلیس، ۸۰۰۰ نفر گارد ملی و ۳۰۰ نفر گارد ساحلی است. در این میان تعداد نیروهای پلیس قابل توجه است و این به منظور سرکوب خیزشهای داخلی است. محل عمده استقرار نیروهای نظامی بحرین شهر الفارغ است. با توجه به محدودیتهای یاد شده بحرین از نظر نظامی کاملاً به آمریکا متکی است. مقر ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس در بحرین قرار دارد. این مقر که در سال ۱۹۸۵ ایجاد شده مرکز تجمع و فرماندهی ناوهای آمریکا در منطقه است. مفاد قراردادهای نظامی این کشور با آمریکا نیز همانند کویت و با همان اهداف صورت گرفته است. (جهان اقتصاد، ۱۳۸۵/۳/۱۲). همچنین این کشور ۲۲ فروند جنگنده اف-۱۶ نیز از آمریکا خریداری کرده است.

پیمان نظامی با آمریکا در سال ۱۹۷۱ مبنی بر ایجاد تأسیسات نظامی و از سوی آمریکا در بحرین (طبق این قرارداد پایگاه ((الجفیر)) همراه با امتیاز استفاده از کلیه تسهیلات بندرگاه ((جفیر)) و فرودگاه و اسکله ((بندر سلمان)) و سایر تسهیلات بندری در مقابل ۲۵ میلیون لیره استرلینگ به آمریکا واگذار شد).
- قرارداد خرید تسلیحات از آمریکا (۵۰۰ میلیون دلار در فاصله سال های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲، ۲۰۰ میلیون دلار در فاصله سال های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶) (تایلر، ۲۰۰۲: ۲۹۹).

قطر

رهبان قطر براین باور هستند در صورتی که سرزمینهایشان از ناحیه یک دولت قدرتمند خارجی مورد تهاجم قرار گیرد به تنهایی قادر به دفاع از خود نیستند. بنابراین اتکا به همکاریهای نظامی گسترده با آمریکا و فرانسه را انتخاب کرده اند. ظرفیت دفاعی محدود قطر مانع از صرف هزینه‌های سنگین تسلیحاتی شده است و به جای یک

ارتش بزرگ قطر دارای یک نیروی نظامی کوچک است که تنها قادر است کشور را در مقابل تهاجمات کوچک مرزی حفظ کند. پایگاه نیروی دریایی آن بندر دوحه است. هرچند کارشناسان نظامی انگلیسی به عنوان مشاور ارتش قطر خدمت می کنند اما این کشور نیز از نظر نظامی متکی به آمریکاست.

از اوایل ۱۹۷۹ هزینه دفاعی این کشور به میزان زیادی افزایش یافت و از نظر برنامه‌های مدرنیزه کردن در هر سه نیرو و نیز هزینه سرانه نظامی به مقام دوم بعد از عربستان قرار گرفت (جهان اقتصاد، ۱۳۸۵/۳/۱۲). از سویی دیگر آمریکا سیستم پدافند موشکی پاتریوت خود را در قطر تقویت نموده است. این سیستم در آغاز اشغال عراق در قطر مستقر شد و هم اکنون به بهانه تهدیدهای موشکی و هسته‌ای ایران تقویت می‌شود. پنتاگون قراردادی به ارزش ۷/۶ میلیون دلار برای ارتقای این سیستم در قطر و سایر پایگاههای آمریکا منعقد کرده است (کیهان، ۱۳۸۵/۴/۱۸).

امارات متحده عربی

در سال ۱۹۷۶ قرار شد که نیروهای مسلح ۷ امیرنشین امارات در هم ادغام شود (جهان اقتصاد، ۱۳۸۵/۳/۱۲). ارزشمندترین سرمایه‌گذاری نیروی هوایی این کشور شامل ۸۰ فروند جنگنده پرتوان و فوق پیشرفته اف-۱۶ آمریکایی است. همچنین این کشور قراردادی به ارزش ۲ میلیارد دلار با آمریکا برای تجهیز جنگنده‌ها به انواع و اقسام جنگ افزارهای هوا به هوایانه برد «آرام» ۱۱۶۳ موشک هوا به زمین ماوریک و نیز بمب‌های لیزری و مهمات ۲۰ میلیمتری و دیگر جنگ افزارهای گوناگون امضا کرده است (کیهان سیاسی، ۱۳۸۶/۱۰/۱۹).

◆ مانورهای مشترک نظامی

کویت و بحرین

بحرین و کویت از جمله کشورهایی هستند که جورج بوش، رییس جمهوری آمریکا، آنها را «متحدان غیرعضو ناتو» خوانده است. این دو کشور از روابط نظامی و سیاسی بسیار نزدیکی با آمریکا برخوردار هستند. سران کویت بازپس گیری تاج و تخت خود را مدیون حمایت همه جانبه آمریکا هستند که با حمایت ائتلافی از نیروهای نظامی متحد خود، عراق را از خاک کویت به بیرون راند. بحرین نیز استقلال خود را تا حد بسیاری مدیون حمایت های همه جانبه آمریکا است. اکنون بیش از یک دهه است که مقرر فرماندهی ناوگان پنجم ایالات متحده در منامه، پایتخت این کشور کوچک حاشیه خلیج فارس قرار دارد. مانورها شامل تمرین عملیات توقف و بازرسی کشتی های مظنون به حمل جنگ افزارهای کشتار جمعی و موشک بود (خبرگزاری آفتاب، ۱۳۸۵/۸/۳).

روزهای ۸-۹ آبان برای اولین بار مانور دریایی رهگیری با شرکت ۲۵ کشور از جمله آمریکا در خلیج فارس صورت گرفت در جریان مانور **Leading Eagle** که در چارچوب برنامه عمل گسترش امنیت (**Security Initiative Proliferation**) برگزار می شود عملیات مشترک رهگیری و ممانعت از صادرات سلاح کشتار جمعی و همچنین ابزار انتقال آنها و مواد اولیه برای این گونه سلاح به اجرا گذاشته خواهد شد. برگزاری این مانور شش کشور از جمله آمریکا، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، استرالیا و بحرین کشتی‌ها و هواپیماهای جنگی و همچنین گروه‌هایی از نیروهای ویژه خود را بکار گرفتند. همچنین کشورهای روسیه، آلمان، ژاپن، کره جنوبی، عراق،

یونان، کویت، هلند، زلاند نو، نروژ، پاکستان، لهستان، پرتغال، قطر، سنگاپور، اسپانیا، امارات متحده عربی، دانمارک و کانادا نیز بعنوان ناظر در این مانور شرکت کردند (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۶/۹/۲۱).

با فاصله زمانی بسیار کوتاهی پس از قطع مذاکرات ایران و کشورهای ۵+۱، آمریکا مانور نظامی مشترکی را با کشورهای حوزه خلیج فارس آغاز نمود. اعزام ناو جنگی پیشرفته اتمی به خلیج فارس همزمان با آن تحرکات جدیدی برای به تصویب رساندن قطعنامه تحریمی علیه ایران در شورای امنیت نشانگر اهداف مغرضانه آمریکا برای بر هم زدن امنیت و نفوذ بیشتر در خاورمیانه است (همشهری، ۱۳۸۶/۸/۴).

دو ناو هواپیمایی به همراه ۹ کشتی جنگی آمریکایی برای برگزاری مانور با چند کشور عربی با گذر از تنگه هرمز وارد آبهای خلیج فارس شدند (کیهان سیاسی، ۱۳۸۶/۳/۳).

از سویی دیگر آمریکا مانوری مشترک با بحرین برگزار کرد. در این مانور بیش از ۸۰۰ عضو ارتش آمریکا به همراه پرسنل وزارت دفاع این کشور در این تمرین نظامی، شرکت کردند. براساس گزارش «دیلی تایمز»، این تمرین نظامی که عملیات «۰۷ ملوان صحرا» نام دارد، با هدف هماهنگی بیشتر نیروی دریایی آمریکا و ارتش بحرین، برای مواجهه با بحرانهای احتمالی در منطقه عنوان شده است. (www.sedayemardom.net ۱۳۸۶/۲/۷).

انگلستان

سابقه حضور استعماری انگلیس در خاورمیانه و خلیج فارس به اوایل قرن ۱۹ بازمی گردد. در سالهای ۱۸۲۰ در بحبوحه جنگ‌های ایران با روسیه، دولت انگلستان به بهانه مبارزه با دزدهای دریایی سواحل جنوبی خلیج فارس را اشغال نموده و با حکام محلی قرارداد تحت الحمایگی امضاء کرد. اگر چه در دوران گذشته از جمله صفویه انگلیسی‌ها در ایران حضور داشته‌اند، اما در آن زمان به علت اقتدار دولت مرکزی فقط به کار تجارت اشتغال داشتند و در زمان قاجاریه و تضعیف ایران به خاطر جنگ با روسیه است که انگلستان از فرصت پیش آمده جهت اشغال نظامی برخی مناطق خلیج فارس که تحت نفوذ ایران بودند، استفاده کرد. انگلستان در راه سلطه کامل خود بر منطقه در سال‌های آخر قرن ۱۹، ضمن سایر اقدامات، از سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» استفاده می‌کرد و با تشدید اختلافات مرزی بین شیخ نشین‌ها، باعث تضعیف هرچه بیشتر آنها می‌شد. و اوضاع منطقه را متشنج می‌کرد. در این مرحله انگلستان توانست، شیخ نشین‌های بحرین، قطر، دبی، شارجه، ابوظبی، مسقط، عمان و... را به زیر سلطه خود درآورد. سپس در طی نیمه دوم قرن ۱۹، انگلستان بعد از تثبیت موقعیت خود در شیخ نشین‌های خلیج فارس کوشش بیشتری در جهت تضعیف دولت ایران و عثمانی به عمل آورد و با تحمیل جنگ‌های متعدد به این دولت‌ها و انتزاع سرزمین‌های مختلف از آنها، توانست سلطه و نفوذ خود را هر چه بیشتر در این ۲ کشور گسترش دهد (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۵۰).

◆ پایگاهها و قرار دادهای نظامی

عربستان

کشور انگلستان از زمانی که عبد العزیز آل سعود، مؤسس این کشور با چرچیل در سال ۱۹۴۵ دیدار کرد روابط عمیقی دارند که این روابط تاکنون ادامه پیدا کرده است. ارزش طرحهای مشترک دو کشور که رقمی میان ۱۵۰ تا ۲۰۰

مورد را شامل می شود به ۱۴/۵ میلیارد دلار رسیده است. در حال حاضر عربستان یکی از جنجالی ترین قراردادهای نظامی خویش را با عنوان «الیمامه ۳» با لندن دنبال می کند. قرار دادی به ارزش ۴۰ میلیارد دلار که برای مدتی بر اثر پرداخت رشوه از سوی شرکت BAE به شاهزادگان سعودی متوقف شد (ایران، ۱۳۸۶/۸/۸).

از سویی دیگر این کشور قرار دادی به ارزش ۳۵ میلیارد دلار به منظور خرید ده ها جنگنده فوق پیشرفته تایفون با انگلستان امضا نموده است ((تایلر، ۲۰۰۲: ۱۶۲).

امارات متحد عربی

امارات متحده عربی در سال ۱۹۹۱، قرارداد همکاری های دو جانبه نظامی با کشورهای فراسنه و انگلستان امضا کرده است.

قطر

قرارداد ده ساله همکاری های نظامی و دفاعی با انگلستان در سال ۱۹۹۱.

کویت

براساس قراردادی بین کویت و دولت بریتانیا، از سال ۱۹۹۳ متخصصان نظامی بریتانیا مشغول آموزش و سازماندهی نیروهای کویتی هستند. تعداد این متخصصان به ۴۷ نفر می رسد. انگلستان همچنین به درخواست کویت، دانشکده فرماندهی و ستاد مشترکی برای آموزش افسران عالی رتبه (کویت و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس) تأسیس کرده است. علاوه بر این، تعدادی از افسران نیروی دریایی و هوایی کویت، در انگلستان آموزش می بینند. همچنین انگلستان تسلیحات نظامی از قبیل ۲۵۴ دستگاه نفر بر زرهی، موشک های ضد کشتی SEA SKUA هواپیمای آموزشی ((هاوک)) در اختیار کویت قرارداده و آموزشی نظامی نیروی دریایی آن کشور را نیز بر عهده دارد.

فرانسه

این کشور نیز علی رغم حضور در خلیج فارس، نتوانسته همانند ایالات متحده نفوذ چشمگیری داشته باشد. با این حال در این کشور اولین کشور صادر کننده سلاح سبک به کشورهای حوزه خلیج فارس می باشد و در صدد است همچنان این رتبه را در این منطقه حفظ نماید. رابطه با مداخله این کشور می توان به موارد زیر اشاره نمود:

◆ پایگاهها و قراردادهای نظامی نظامی

پایگاه نظامی در امارات

فرانسه بر اساس قراردادی که در سفر نیکولا سارکوزی، رئیس جمهوری این کشور به ابوظبی امضا شد، یک پایگاه دائمی نظامی در امارات متحده عربی خواهد داشت حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ پرسنل ارتش، دریایی و هوایی فرانسه در این کشور حاشیه خلیج فارس مستقر می شوند. امارات متحده عربی نیز اعلام کرد توافقنامه ای برای «ارتقای روابط بین دو کشور دوست درباره همکاری نظامی» در دیدار «ارو مورین»، وزیر دفاع فرانسه و «شیخ عبدالله بن زاید آل نهیان»، وزیر امور خارجه امارات امضا شد. خبر این توافق پیش از این از سوی روزنامه «لوموند» و پیش از سفر نیکولا سارکوزی، به امارات فاش شده بود که بخشی از سفر وی به سه کشور خلیج فارس از جمله عربستان

سعودی و قطر است. با این قرارداد فرانسه خواهد توانست واحدهای دریایی خود را مانند آمریکا و چند کشور دیگر غربی در خلیج فارس مستقر کند. این توافق به همکاری نظامی درازمدت فرانسه با کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس از جمله امارات متحده عربی و قطر می‌افزاید (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۶/۱۰/۲۵).

عربستان و امارات متحده

فرانسه در طی سال گذشته برای حمایت و کمک به حراست از مرزهای آبی، هوایی، زمین عربستان و امارات متحده قرار دادی به ارزش ۱۲ میلیارد دلار با این کشورها امضا کرده است. همچنین در رابطه با روابط دوجانبه، فروش سلاح و تأمین امنیت منطقه ای با این کشورها رایزنی هایی نیز شده است (جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۸/۳). امضای قرارداد ساواری ۲ میان عربستان سعودی و فرانسه در سال ۱۹۹۴، به ارزش ۳/۶ میلیارد دلار با مدیریت اجرایی ۱۲ سال، افزون بر این امارت متحده سرمایه گذاری عظیمی را در خصوص خرید جنگنده های میراژ - ۲۰۰۰ فرانسوی کرده است.

همچنین دو قرارداد خرید تجهیزات با فرانسه در سال ۲۰۰۰ (قرارداد اول با کمپانی فرانسوی ((ماترا)) برای ایجاد و توسعه سیستم موشک‌های زمین به هوا و قرارداد دوم با کمپانی فرانسوی ((بانهارد)) برای توسعه و ارتقای خودروهای زرهی).

کویت:

در سال گذشته کشور فرانسه برای تقویت مناسبات دو جانبه نظامی خود با کویت توافقنامه های نظامی را به امضا رسانیدند. که در طی این قرارداد فرانسه موظف به تأمین امنیت و نیز تجهیزات نظامی کویت گردید (کیهان، ۱۳۸۵/۸/۱۵).

همچنین قرارداد ده ساله همکاری های نظامی و دفاعی با فرانسه در سال ۱۹۹۱ منعقد کرده است.

روسیه

تلاش روسیه برای افزایش سلطه خود بر کشورهای جهان و بیشتر شدن نفوذش در سرتاسر این کره خاکی سبب شد تا در سالهای اخیر ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه سفرهایی به کشورهای خاورمیانه و حوزه خلیج فارس داشته باشد.

در نگاه اول سفرهای پوتین به منطقه به منظور افزایش سطح روابط تجاری و اقتصادی است ولی سیاست پوتین برای نفوذ در میان کشورهای مسلمان نشین عربی و کشورهای خاورمیانه و به دنبال آن متحد کردن آنها با روسیه در مقابل غرب از دید هیچ فرد ریزبینی پنهان نمانده است (اندیشکده روابط بین الملل، ۱۳۸۶/۷/۲۳).

در رابطه با مداخلات نظامی روسیه در خلیج فارس می توان به رابطه گسترده این کشور با ایران اشاره نمود که عمدتاً در غالب قرار دادهای نظامی جلوه گر می شود.

مقامات ایران و روسیه سال گذشته قراردادی به ارزش یک میلیارد دلاری و ۴۰۰ میلیون دلار با مسکو برای خرید یکی از پیشرفته ترین سیستم ای دفاع هوایی موجود در جهان به امضا رسانده بوده‌اند. این بزرگترین خرید نظامی

ایران از روسیه طی ۵ سال گذشته است. این قرارداد همچنین شامل مدرنیزه کردن نیروی هوایی ایران و تدارک قایق گشتی رادربر می‌گیرد که در جمع قراردادی بالغ بر یک میلیارد دلار می‌شود. همچنین می‌توان به قرارداد های خرید اسلحه بین ۸۰۰ میلیون تا یک میلیارد دلار از با کویت در سال ۱۹۹۵ اشاره نمود.

ج) سطح سازه ای

مهمترین نوع مداخله این سطح را می‌توان در رابطه با قراردادهای نظامی امنیتی ناتو با کشورهای حوزه خلیج فارس عنوان نمود.

شورای آتلانتیک شمالی رکن اصلی ناتو است. همه کشورهای عضو در آن نماینده دارند و دارای حق رأی مساوی هستند. تصمیم‌گیری در شورای ناتو بر اساس اتفاق آراء انجام می‌گیرد و هر کشور تنها حق یک رأی دارد. در سال ۱۹۵۲ در کنفرانس لیسبون کمیته‌ای به نام «کمیته نمایندگان نظامی» تأسیس کرد که نهادی دائمی است. این نهاد متشکل از گروه دائم و نمایندگان سایر کشورهای عضو است و مقر آن در واشنگتن قرار دارد. «کمیته‌ی نمایندگان نظامی» با دادن اطلاعات و اخبار لازم با کمیته‌ی نظامی همکاری دارد.

در واقع یکی از مهمترین مناطقی که مورد توجه اعضای ناتو قرار دارد، منطقه خاورمیانه است. در این رابطه اجلاس ناتو در بحرین، در ۲۴ آوریل ۲۰۰۸، را باید مورد توجه قرار داد. این اجلاس که طی آن توافقی برای مبادله اطلاعات و همکاری‌های امنیتی مطرح شد، از جمله اقدامات اعضای ناتو و به ویژه اعضای اروپایی ناتو برای برقراری پیوندهای نزدیکتر با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تلقی می‌شود. سابقه همکاری ناتو با برخی کشورهای حوزه خلیج فارس به ابتکار اجلاس استانبول باز می‌گردد که در ۲۸ و ۲۹ ژوئن ۲۰۰۴، برگزار شد. در این اجلاس به ویژه در مورد نحوه کمک به آموزش نیروهای عراقی توافقاتی بدست آمد. از میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، بحرین، کویت، امارات متحده عربی و قطر در اجلاس استانبول با ناتو توافقاتی را به امضا رساندند اما عمان و عربستان از الحاق به این توافقات خودداری کردند.

در حال حاضر استمرار توافقات ناتو با بحرین و تمایل اعضای ناتو برای گسترش مناسبات خود با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را باید ناشی از دو عامل دانست؛ اول، ناکامی‌های ناتو در عرصه افغانستان و تمایل اتحادیه اروپا برای افزایش تجارت و تعامل با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، به ویژه بعد از افزایش جهانی قیمت نفت. به نظر می‌رسد مقام‌های ناتو با بزرگنمایی خطر ایران در تلاشند تا عامل مشترک مهمی را برای ادامه تقویت همکاری‌های ناتو و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مطرح کنند. در اجلاس اخیر ناتو و بحرین نیز یاب دهبو شفر، دبیرکل ناتو بار دیگر با تهدیدآمیز بودن برنامه‌های هسته‌ای ایران، به عنوان یک خطر امنیتی فوری، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را به همکاری بیشتر با پیمان ناتو ترغیب نمود.

در این گزارش ضمن اشاره به پیمان‌های موجود که عموماً تک بعدی و ناکارآمد هستند، کوشش شده است تا با ترسیم وضعیت امنیتی حاکم بر منطقه الگویی مناسب برای ترتیبات امنیتی همه جانبه و فراگیر ارائه شود.

تجزیه و تحلیل

همانطور که پیشتر گفته شد وجود تفاوت در دیدگاههای امنیتی کشورهای حوزه خلیج فارس، زمینه را برای ورود مداخله گران خارجی فراهم ساخت. از آنجا که مسائل نظامی هنوز در نظر بازیگران داخلی تنها راه تأمین امنیت می باشد از این رو بیش از پیش خود را به آخرین فناوری های روز در زمینه تسلیحات نظامی مجهز می سازند. اما در این بین بعضی از این کشورها یا به دلیل عدم توانایی لازم در خصوص تأمین امنیت داخلی شان یا به دلیل بازداشتن کشورهای همسایه از حمله احتمالی، با بازیگران فرامنطقه ای خصوصاً آنهاپی که در زمینه مسائل نظامی به نوعی قدرت جهانی به حساب می آیند، پیمانهای نظامی را منعقد می سازند که این پیمانهای نظامی در غالب: پایگاههای نظامی، قراردادهای نظامی، مانورهای مشترک، آموزشهای نظامی، کمکها و خدمات نظامی و... جلوه پیدا می نماید. با این تفصیل مشخص می شود که اغلب کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، امین خود را از طریق انعقاد قراردادهای طولانی مدت که اغلب نیز متضمن خریدهای کلان تسلیحاتی از غرب و به ویژه ایالات متحده بوده، تأمین کرده اند. از سویی دیگر، تجربه تشکیل شورای همکاری خلیج فارس نیز، اگرچه در ابتدا نیتی امنیتی به همراه خود داشت، ولی با توجهی انفعال آن در هنگام حمله عراق به کویت؛ نشان داد که کارآیی لازم در این خصوص را ندارد؛ گو اینکه از همان ابتدا، کنار گذاشتن جمهوری اسلامی ایران از این ترتیبات منطقه ای، آینده خوشی را برای آن رقم نمی زد.

امروز، مفهوم اصلی امنیت ملی برای بسیاری از کشورها، از نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و جلوگیری از مداخله بیگانگان در امور داخلی کشور از طریق افزایش توان نظامی حکایت دارد. به هر حال پس از جنگ جهانی دوم، تهدیدات گسترده ای جهان را فراگرفت که امنیت ملی کشورها را به مخاطره انداخت، به ویژه در خلیج فارس که جنگ های فیزیکی و روانی در آن جریان داشت و تلاش دولت های این حوزه همواره بر ایجاد طرح های امنیتی معطوف بود. اما این کشورها هیچ گاه نتوانسته اند امنیت لازم را در این حوزه به ارمغان آورند، چراکه دخالت و رقابت دولت های خارجی در جهت حفظ منافع و مطامع بین المللی شان، نا امنی و بی ثباتی در این منطقه را دامن زده است. بروز نا امنی های منطقه ای از دیدگاه کشورهای منطقه با توجه به برداشت های متفاوت هر یک از مفهوم امنیت قابل تحلیل است؛ به طوری که امنیت هر یک از دولت های منطقه ای می تواند با استناد به نا امنی دیگر کشورها تفسیر شود و هر کشوری با تعریف خاص خود از امنیت ملی، با امکانات و منابع موجود، در چارچوبی که از تعریف منطقه دارند، از خود دفاع کند. امنیت ملی با تمامیت ارضی رابطه مستقیم دارد و در نهایت به دفاع ملی منتهی می شود. استراتژی های دراز مدت اقتصادی، نظامی و سیاسی می تواند مرزهای امنیت ملی را تا حد مناطق نفوذ یک کشور وسعت که سرچشمه تمام قدرت های آن است، در کنار وضع نمادهای سیاسی و حقوقی کشور، می تواند در تحقق استراتژی های دراز مدت و تحکیم پایه های امنیت ملی بسیار مؤثر واقع شود. از سویی به قول والتر لیپمن، امنیت ملی، در معنی عام کلمه، همیشه با قدرت نظامی همراه می باشد؛ به گونه ای که با وجود یا عدم وجود امنیت به توانایی یک کشور در رفع و از بین بردن حمله نظامی وابسته است. این مسأله در مورد ایران نیز صادق است.

ایران کشوری است که در منطقه خلیج فارس به عنوان یکی از قدرتهای کلاسیک شناخته شده است. اما همواره از سوی سایر کشورهای دیگر خلیج فارس که در حاشیه جنوبی آن قرار دارند به طرق مختلف به چالش کشیده می‌شود.

در حقیقت حضور گسترده مداخله گران نظامی در منطقه و عقدپیمانها و قراردادهای مختلف امنیتی، نظامی با هر یک از اعضای شورا، سعی کرده اند نفوذ خود را در این کشورها رسمی نمود و در واقع نقش اصلی در هدایت سیاست خارجی و نظامی این کشورها ایفا می‌کند. هدف اصلی این مداخله نیز تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری است که نقش مهمی در سرنوشت سیاسی و اقتصادی بازی کرده و می‌کند.

نتیجه گیری

مسائل امنیت نظامی اساساً زاده فرایندهای داخلی و خارجی استقرار و حفظ و یا ناتوانی از حفظ دستگاه حکومت در جوامع بشری است. مسلماً فرایند حکومت تنها به کاربرد زور ختم نمی‌شود. دولت‌ها و واحدهایی که سودای دولت شدن دارند از دیر باز موضوع اصلی امنیت نظامی دغدغه آنها بوده و تا حد زیادی نیز این موقعیت را حفظ کرده‌اند. حفظ یکپارچگی سرزمینی دولت، هدف سنتی امنیت نظامی است و دو محیط بلافصل - منطقه ای و داخلی - دولت کانون‌های اصلی توجه در این بخش به شمار می‌روند.

افزون براین، همانطور که می‌دانیم تأمین امنیت در قرن جدید که تهدیدها دارای ماهیتی پیچیده تر شده‌اند مسأله‌ای مهم و با اهمیت به شمار می‌آید. از آنجا که تهدیدها دیگر صرفاً نظامی نیستند طبیعتاً برای مقابله با آنها نیز نمی‌توان به راههای نظامی متوسل شد. اما از آنجا که کشورهای خلیج فارس تنها همین یک راه را می‌شناسند بنابراین تلاشهای زیادی را برای مجهز نمودن خود به ابزارآلات نظامی به خرج می‌دهند و در این راه از صرف هزینه‌های هنگفت نیز مضایقه‌ای ندارند. بنابراین تأمین امنیت نظامی در این منطقه همواره مدنظر بوده است.

همگرایی‌ها برای تشکیل سازه‌های منطقه ای در خلیج فارس با نگرش امنیتی به این معنا است که عناصر و اجزای خلیج فارس بتوانند فضای امنی برای حیاتشان چه در شکل فردی و چه در شکل جمعی پدید بیاورند و بقای خودشان را تضمین نمایند، ولی دغدغه اصلی واحدهای خلیج فارس امنیت و بقاست. این دغدغه آنها را به سمتی کشیده و آن چگونگی تأمین امنیت است. در ارتباط با چگونگی تأمین امنیت استراتژی مورد نظر، تأمین امنیت جمعی با استفاده از پیمانهای دو یا چند جانبه میان خود کشورهای منطقه مطرح است. برخی از کشورهای منطقه ای که نتوانستند از این استراتژی سود ببرند بر پایه امکانات خودی سعی کردند امنیت خودشان را تضمین کنند. استراتژی امنیت جمعی یا پیمانی بصورت کامل در منطقه خلیج فارس تحقق پیدا نکرده ولی جزء ایده‌های آرمانی منطقه بوده است. (یعنی همه اعضا در آن حضور داشته و آن را قبول کنند). این ایده پیمان جمعی و فراگیر متأسفانه تحقق پیدا نکرده. خاستگاه این تفکر در شمال خلیج فارس است. بطور سنتی ایران این اندیشه را دنبال می‌کند که پیمان قراگیر منطقه ای و اختصاصی است. علت آن این است که ایران خواهان آن می‌باشد که دیگران در منطقه تبدیل به قدرت برتر نشوند و خود قدرت را در دست بگیرد. از این رو از این دیدگاه حمایت می‌نماید.

بطور کلی می‌توان استراتژیهای تأمین امنیت را در دو بخش اصلی بیان نمود: امنیت فردی و امنیت جمعی.

آنچه اکنون در خلیج فارس با توجه با تحولات کنونی جهان باید مد نظر قرار گیرد تأمین امنیت به شیوه جمعی است. که این شیوه نیز خود در بخش مهم باید مد نظر باشند:

درون منطقه ای یا متوازن (متشکل از خود کشورهای منطقه بایکدیگر باشد).
 ۱- دو جانبه
 برون منطقه ای یا نامتوازن (ایران و آمریکا قبل از انقلاب) که باعث از بین رفتن استقلال کشورها می شود.

۲- چند جانبه

بعد از اشغال نظامی کویت توسط عراق و بدبینی مفرط کشورهای جنوبی حاشیه خلیج فارس به کشورهای ایران و عراق، علاقه این کشورها (حاشیه جنوبی خلیج فارس) به یافتن متحدی استراتژیک فرامنطقه ای برای تأمین امنیت جلب گشت. حتی علی رغم پیشنهادهای ایران و بعضی کشورهای عربی مبنی بر ایجاد سازه ای منطقه ای که کشورهای خلیج فارس متفقاً در آن برای تأمین امنیت تلاش نمایند همواره با مخالفت عربستان روبرو گشته است. علت آن نیز کاملاً روشن است: عدم بی اعتمادی کشورها خصوصاً سه قطب اصلی خلیج فارس نسبت به یکدیگر است. کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس همواره از دو همسایه شمالی خود عراق و خصوصاً ایران واهمه داشته و دارند. از این رو برای مقابله با این کشورها سعی نموده اند متحدین فرامنطقه ای که دارای قدرتهای استراتژیک نیز هستند را هرچه بیشتر به خود نزدیک نمایند. با این هدف که میزان تهدید را از سوی ایران و عراق کاهش دهند. این مسأله باعث ترویج نظامی گری در خلیج فارس و حضور گسترده نظامی کشورهای فرامنطقه ای در آن گردیده است. این موضوع شدیداً از سوی ایران نفی می گردد چرا که اگر هر سازه امنیتی در خلیج فارس با حضور قدرتهای فرامنطقه ای تشکیل گردد باعث ضعف ایران از نقطه نظر قدرت برتر منطقه ای می شود.

با این حال از آنجا که هیچ از کشورها با یکدیگر کنار نمی آیند گرایش به امنیت دو جانبه نامتوازن همچنان ادامه خواهد داشت بنابراین امنیت خلیج فارس یک سازه گسسته است و ضلع جنوبی برای تأمین امنیت خود در مقابل کشورهای شمال خلیج فارس به کشورهای فرامنطقه ای متوسل می شوند.

منابع

- ۱- اندیشکده روابط بین الملل، استراتژیهای صدور نفت از خلیج فارس، ۱۳۸۶/۷/۲۳.
- ۲- بوزان، باری ((A, ۱۳۸۰)) «امنیت، کشور، نظم نوین جهانی و فراسوی آن». ترجمه احمد پارساپور، فصلنامه فرهنگ اندیشه، سال اول، شماره ۳ و ۴.
- ۳- بوزان، باری (۱۳۸۲): «تحول در مفهوم امنیت بین المللی: جامعه بین الملل و امنیت بین المللی»، ترجمه کابک خبیری، فصلنامه اندیشه، سال اول، شماره ۳ و ۴.
- ۴- بوزان، باری (۱۳۷۸): مردم، دولت ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.

- ۵- بوزان، باری (۱۳۸۶): علیرضا طیب، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، تهران، مرکز پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۶- بوزان، باری (۱۳۸۰): «تحول در مفهوم امنیت بین‌المللی: جامعه بین‌الملل و امنیت بین‌المللی»، ترجمه کابک خبیری، فصلنامه اندیشه، سال اول، شماره ۳ و ۴.
- ۷- تاجیک (۱۳۷۸): «گفتمان امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، از جزوه مفهوم شناسی امنیت. ج. ۱.۱، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۸- تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳): مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- ۹- چگنی‌زاده، غلامعلی، (۱۳۷۹): «رویکردی نظری به مفهوم امنیت ملی در جهان سوم»، مجله سیاست خارجی، سال چهارم، شماره ۱.
- ۱۰- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵): اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، خراسان، آستان قدس رضوی
- ۱۱- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۹): خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، سمت.
- ۱۲- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۶): قدرت و منافع ملی، تهران، انتخاب.
- ۱۳- فصلنامه سیاست خارجی، شماره فصلنامه خاورمیانه، (۱۳۷۸): جنگ آب مناقشات آینده در خاورمیانه، سال اول، شماره ۶۳.
- ۱۴- مارتین، لی. نور. جی؛ (۱۳۸۳): چهره جدید امنیت در خاورمیانه، ترجمه قدیر نصیری، تهران: مرکز پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۵- مکین لای، رابرت و آردی. و آر. لیتل، (۱۳۸۰): امنیت جهانی رویکردهای و نظریه ها، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: مرکز پژوهشکده راهبردی.
- ۱۶- خبرگزاری فارس، ۱۳۸۶/۷/۲۵
- ۱۷- خانه ملت، ۱۳۸۵/۱۱/۲۱ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۱۸- خبرگزاری نوع دوستی، ۱۳۸۶/۱۰/۲۱
- ۱۹- روزنامه ایران، ۱۳۸۴/۷/۱۹
- ۲۰- جهان اقتصاد، ۱۳۸۵/۳/۱۲
- ۲۱- خبرگزاری مهر، ۱۳۸۶/۷/۲۱
- ۲۲- جهان اقتصاد، ۱۳۸۵/۳/۱۲
- ۲۳- کیهان، ۱۳۸۵/۴/۱۸
- ۲۴- خبرگزاری آفتاب، ۱۳۸۵/۸/۳
- ۲۵- همشهری، ۱۳۸۶/۸/۴

26- Tailor, Allen "the arab blance of power" Syracuse university publication, 2002.

27- Fisher, (1999): "U.S policy in the Persian gulf" dept of state bulletin.

- 28- Schofield "Birders and Territoriality in the person gulf and Arabian peninsula during the Twentieth century" in schofield, The Territoriality foundation of the person gulf states 2000.
- 29- Ratmel, (2003): "person gulf nation said to be committed to U.S Alliance" The new York times.
- 30- "War in the person gulf ,The U.S Take sides" A staff Report to the committee on foreign relations United states ,Washington:U.S Government printing office 2002.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی